

خبر

انصراف ۲ فیلم کوتاه دیگر از جشنواره فیلم فجر

● پس از فیلم کوتاه «تشریح»، کارگردانان دو فیلم کوتاه «اس(s)» و «تو هنوز اینجایی» با انتشار بیانیه‌ای از حضور در بخش مسابقه فیلم کوتاه سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر انصراف دادند. در متن این بیانیه که آمده است: «اینجانب حامد اصلانی کارگردان و بهنام سنایی تهیه‌کننده فیلم کوتاه «s» و کتابون پرمر و محمد روح بخش کارگردانان فیلم کوتاه «تو هنوز اینجایی» علی‌رغم فرصتی که در اختیار ما گذاشته شده برای حضور در بخش مسابقه فیلم کوتاه فجر، صرفا به دلایل فنی و شرایط زمانی امکان کوتاه‌کردن فیلم‌های خود را نداشتیم. ازاین‌رو انصراف خود را برای حضور در این جشنواره اعلام می‌کنیم. سیاست‌گزاریم از صنف فیلم کوتاه، انجمن سینمای جوانان ایران و دبیر محترم جشنواره فجر که پیشنهاد حضور فیلم‌های «s» و «تو هنوز اینجایی» را در این جشنواره به ما دادند» با انصراف این سه فیلم و از میان چهار فیلم باقی‌مانده در فهرست اعلام‌شده از سوی دبیرخانه سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر، تنها فیلم «بچه‌خور»، به کارگردانی محمد کارت باقی مانده است که به دلیل زمان بیش از ۱۵ دقیقه، باید نسخه کوتاه‌شده خود را به دبیرخانه جشنواره ارائه کند. در این میان فیلم‌های کوتاه «رورانس»، به کارگردانی سوگل رضوانی، «دریای تلخ»، به کارگردانی فاطمه احمدی و «گسل»، به کارگردانی سهیل امیرشریفی سه فیلم کوتاهی هستند که بر اساس این‌نامه جشنواره واجد شرایط اصلی حضور در بخش مسابقه فیلم کوتاه جشنواره فجر هستند.

واکنش فائزه هاشمی به فیلم «مارموز»



● اکران مردمی و ویژه فیلم سینمایی «مارموز» شامگاه دوشنبه، ۱۷ دی، با حضور فائزه هاشمی، حامد بهداد، جواد نوروزبینگی و مدیران فرهنگی و هنری در سینما «آستارا»ی تجریش برگزار شد. فائزه هاشمی پس از تماشای این فیلم گفت: فیلم‌هایی که کمال‌ترین می‌سازد آثار قابل‌توجه و خوبی است و من همیشه از تماشای فیلم‌های ایشان لذت می‌برم، زیرا فیلم‌های ایشان حرف‌ر روز را می‌زنند. او ادامه داد: تبریزی کارگردانی باجرئت و خوش‌فکر است و این مسئله در فیلم‌هایش کاملا مشخص است و فیلم‌های مرموز نیز در ادامه کارهای قبلی وی است. هاشمی با اشاره به داستان و محتوای فیلم مارموز گفت: خود ما در عالم سیاست هستیم و شاید اگر بیرون از عالم سیاست بودیم به این فیلم متفاوت نگاه می‌کردیم، اما آنچه که این فیلم نشان می‌دهد این است که همیشه در دنیای سیاست این مردم هستند که قربانی می‌شوند. حامد بهداد، بازیگر فیلم «مارموز» نیز با تشکر از مخاطبان گفت: امیدوارم از تماشای این فیلم لذت ببرید و به شما خوش بگذرد و من دوباره به بهانه نمایش فیلم‌های مختلف شما را ببینم. جواد نوروزبینگی، تهیه‌کننده فیلم نیز با اشاره به اینکه مارموز یک فیلم سیاسی است، گفت: «مارموز» در قالب یک طنز سیاسی بیشتر از آنکه حرف سیاسی بزند، به برخی سیاست‌مداران می‌خندد.



گفت‌وگوی رضا درستکار با عزیزالله حمیدنژاد به بهانه پخش سریال «بانوی عمارت»

حریم بانو کجا و عمارت سلطان کجا؟

گروه هنر: «بانوی عمارت»، به کارگردانی عزیزالله

حمیدنژاد ازجمله سریال‌های پربیننده سال‌های اخیر تلویزیون معرفی شد؛ مجموعه‌ای که در بستری تاریخی روایتی از داستانی عاشقانه ارائه داد. در روزهای پایانی پخش سریال بانوی عمارت، رضا درستکار، منتقد و عزیزالله حمیدنژاد درباره چگونگی نگاه به تاریخ قاجار و حواشی سریال تا نحوه انتخاب بازیگران و چرایی استقبال تماشاگران گفت‌وگویی داشتند که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

● **رضا درستکار (منتقد):** بعد از مدت‌ها غیبت، سرگرم ساخت سریال شدید، هرچند که پیش از این هم سریال‌سازی برای تلویزیون را تجربه کرده بودید، چه شد که رفتید سراغ «بانوی عمارت»؟

عزیزالله حمیدنژاد (کارگردان): پیش از این، تجربه سریال‌سازی، «چرخ فلک» را که اپیزودیک هم بود، داشتم. از حدود ۲۶ اپیزود، من ۱۳ اپیزود را کارگردانی کرده بودم و همه این اپیزودها ارتباطی غیرمستقیم هم با هم داشتند، موضوعات اجتماعی «چرخ فلک» برایم جذاب بود و انگیزه من را برای کار در تلویزیون بیشتر کرد، به‌ویژه که «چرخ فلک» ازجمله کارهایی بود که مخاطب هم داشت.

● **داستان «بانوی عمارت»** ارتباطی پررنگ با مطابقت‌های تاریخی ندارد، هرچند به‌هرحال شما آن فضا را در آن دوره تاریخی نشان می‌دهید. این مجموعه لابد یک ویژگی منحصربه‌فرد برای شما داشته است که بعد از یک تجربه سریال اجتماعی، به سراغش رفته‌اید؟

راستش! بعد از «چرخ فلک» فیلم‌نامه‌های زیادی برای ساخت به من پیشنهاد شد که هیچ‌کدام برایم جذاب نبودند. وقتی فیلم‌نامه اول «بانوی عمارت» را خواندم؛ هرچند که قصه هنوز خیلی پخته نبود

و اشکالاتی داشت و برآورد بودجه ساخت هم بسیار کم بود، اما دوستش داشتم و به شرط تکمیل قصه و تامین هزینه‌های لازم برای ساخت، موافقت خود را اعلام کردم. بعد از یک سال، آقای مولایی، تهیه‌کننده، فیلم‌نامه بازنویسی‌شده را دوباره ارائه داد و من هم با اعلام نظرات و حک و اصلاح از زاویه دید کارگردانی، فیلم‌نامه را به ذهنیت‌هایم نزدیک‌تر کردم و در همان ابتدا، حدود ۲۰ قسمت آماده داشتیم که پیش‌تولید را آغاز کردیم و در نهایت هم به یک مجموعه ۳۴ قسمتی رسیدیم.

● **حساسیت‌های خاصی مدنظرتان بود؟**

بله! فیلم‌نامه فضایی داشت که معلوم نبود بتوان آن فضاها را با چنین بودجه‌ای محدود ساخت و به شکلی باورپذیر به مخاطب انتقال داد؛ مثلا از همان ابتدا اعلام کردم که اگر لوکیشن‌های اصلی سریال پیدا نشود، کار را شروع نخواهم کرد. برای همین به تبریز و دیدن ساختمان‌های دوره قاجار و موزه‌ها رفتم و نتیجه‌ای که مدنظرم بود حاصل نشد! بعد هم سر از قزوین و کاشان درآوردم و نهایتا در کاشان بود که عمارت اصلی شازده انتخاب شد؛ خانه طباطبایی‌ها که معماری بسیار جذاب و جالبی داشت و به نظر من مسایاتی که دوره قاجار در معماری رعایت می‌کردند،

بازی‌اش بزنم که اصلا در فیلم‌نامه نیست.

● **قطعا درج‌زدن این نکته وجود دارد که مثلا در روزهای ابتدایی فیلم‌برداری، ناچارید قسمت بیست‌وپنجم را هم فیلم‌برداری کنید که از قضا، اکثر شخصیت‌ها پخته و کامل شده‌اند و مثلا برون‌ریزی زیادی دارند یا اینکه پریشان‌احوالی باید داشته این سریالی بود که حداقل باید شش، هفت ماه پیش‌تولید را پشت‌سر می‌گذاشت و کمبود بودجه هم راهی برایمان باقی نگذاشته بود، برای همین کمی کمربندها را سفت‌تر بستیم و...**

● **آن نقطه کشش اصلی در فیلم‌نامه چه بود که وسوسه و ترغیبانی می‌کرد به ساخت؟**
خب من حدود ۱۰-۱۵ سالی بود که به فکر ساخت اثری تاریخی بودم، اما دیدم در شرایط سیاسی و اجتماعی این روزگار نمی‌توان به سراغ تاریخ رفت! پس فراموشش کردم. تاریخ ایران جذابیت‌های زیادی برای یک فیلم‌ساز دارد، اما باید شرایط حداقلی هم مهیا باشد. خواندن فیلم‌نامه «بانوی عمارت» دوباره اشتیاقم را تحریک کرد، فیلم‌نامه روی هم‌رفته دیالوگ‌های خوبی داشم، مشخص بود که نویسند، حس و دلی با شخصیت‌ها ارتباط برقرار کرده و متن را نوشته است. همین می‌توانست برایم یک انگیزه قوی باشد و آن نقطه آتریک بین قومیت را هم دوست داشتم که در فیلم‌نامه شاخص شده بود؛ یک چیزی مثل فیلم «اشک و سرما» بود؛ این بار اما روایت داستان قوانلوها و شالچی‌ها در یک زمینه تاریخی کمتر پرداخته‌شده.

● **فیلم‌نامه‌ای بود با سختی‌های خودش و بودجه‌ای اندک، اما دوست‌داشتنی؛** پس کار را شروع کردیم و در رچ‌زدن (فیلم‌برداری همه پلان‌هایی که در یک لوکیشن اتفاق می‌افتد) بیشتر دقت کردیم تا بتوانیم، کار را به پایان برسانیم.

● **یعنی برای ۳۴ قسمت، رچ‌دید؟**
امکان ندارد بدون رچ‌زدن شما بتوانید روزی پنج، شش دقیقه مفید فیلم‌برداری کنید؛ یعنی تمام سکانس‌های اتاق فخری، افسر، کتابخانه شازده و... در سکانس‌های مختلف، همه یکجا در لوکیشن مربوطه گرفته می‌شد. طبعاً کار سختی است، چراکه وقتی تمام پلان‌های اتاق افسر که قسمت هشتم، یازدهم، بیستم و... است یکجا گرفته می‌شود، باید متوجه تغییرات روحی آنها در طول سریال بود که هرکدام در چه مرحله‌ای هستند.

● **بازیگران سینما با شکل و اجرای رچ‌زدن آشنایی دارند، اما اغلب بازیگران تئاتر معمولا بازی‌شان پیوسته است و رفته‌رفته، شخصیت را می‌سازند؛** کار با بازیگرانی از هر دو طیف و ترکیشان چطور بود؟
من با بازیگرانم دائم کار می‌کنم، اگر دقت کنید در همه فیلم‌هایم بازیگران حضور داشته‌اند و من به عنوان کارگردان باید ریزه‌کاری‌های نقش را با آنها تمرین کنم، طبعاً آنها اشرافی روی نقش ندارند و این وظیفه من کارگردان است که بازی خوبی از ایشان بگیرم. وقتی رچ می‌زنم نیازی نیست بازیگر از اول تا آخر حس شخصیت را بداند، خواه بازیگر سینما باشد یا تئاتر. وظیفه من این است که تمام موارد بازی و صحنه را برای بازیگر توضیح بدهم، حتی مثال‌هایی برای



عکس هاشم سهراب تاجی، شرق

● **گروه هنر:** نمایش موزیکال «بینوایان»، به کارگردانی حسین پارسایی و رهبری بردیا کیارس، از بیستم آبان‌ماه در سالن رویال‌هال تهران روی صحنه رفت. این نمایش در مدت دو‌ماه با استقبال مخاطبان مواجه شد و با چهاربار تمدید اجرا توانست عملکرد نیکویی در کارنامه دست‌اندرکاران تولید و اجرای بینوایان برجای بگذارد. نمایش موزیکال «بینوایان» جمعه‌شب آخرین اجرای خود را روی صحنه می‌برد تا پرونده این پروژه بزرگ موزیکال در سال ۱۳۹۷ بسته شود. این نمایش با ۵۰ اجرای موفق به روزهای پایانی خود رسیده است. این در حالی است که تاکنون بیش از ۱۲۵ هزار تماشاگر روی صندلی‌های مخملین سالن رویال‌هال تهران، بازی ستارگان این نمایش را به نظاره نشسته‌اند. اجرای تئاتر مستقل بینوایان تا بیست‌ویکم دی‌ماه ادامه دارد. به‌این‌ترتیب سالن رویال‌هال تهران در شب‌های چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه این هفته مصادف با نوزدهم، بیستم و بیست‌ویکم دی، پذیرای علاقه‌مندان برای تماشای آخرین اجراهای نمایش موزیکال بینوایان است. این نمایش از ابتدای اجرا-میزبان چهره‌های بسیاری از اهالی فرهنگ و سیاست بود.

● **اجرای «لته‌های پشت دندان‌هایت را آزار بده»**
به کارگردانی محمد معیری و نویسندگی علی اشکان‌نژاد به‌زودی در سالن شانو روی صحنه می‌رود. محمد معیری، کارگردان این اثر، در ادامه مسیر خود این‌بار متنی را رو بویکر «پداگوژی»، اما در زمینه‌ای متفاوت و بسیار چالش‌برانگیز انتخاب کرده است. پداگوژی را اگر به معنای روش آموزش‌گری با فن و علم تعلیم تصور کنیم، کارگردان در این اثر، انگاره‌ای نوین برای آن در نظر گرفته است. او با خلق شرایطی عجیب و دشوار، سعی دارد مفاهیم عمیق فلسفی «روان‌کاوانه را با استفاده از مدیای تاتر، آن هم در فضایی به‌شدت اکزستانسیالی، به تماشاگر عرضه کند. تشکیک در گستره معنای لذت، سادومازوخیسم پنهان و آشکار، درک گسترده‌تر از مفهوم درد و نظایر اینها، در این پرفورمنس پداگوژیک، دست‌مایه‌هایی جدی‌اند. در این روند، مخاطب در نقاطی متفاوت از کار، نه‌تنها با اکنون خود، چه‌بسا با گذشته خود نیز، دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. در طول این اجرا، تماشاگر، در هر جایگاه و نسبتی با خود و محیط، به مواجهه‌های تکانگتک و شاید تجربه‌نشده‌ای با درون خود خواهد رسید. از شما دعوت می‌کنیم حتما به دیدار این اتفاق، بایاید. تک‌بازیگر این اثر خاطره حاتمی است. نکته اینکه، شما در این اجرا هرگز بی‌کار نخواهید بود! پداگوژی یا فرایند «فراگیری- آموزش»، تعبیری بسیار کهن است، از دوران باستان تا شکل‌گیری مدارس اولیه و تا عصر حاضر که معنای بسیار وسیع‌تری یافته است. همان‌طور که پیداست، پداگوژی مفهومی کلی است که می‌تواند در زمینه‌های متعدد فردی و اجتماعی، کاربردی و پیش‌برنده باشد. با وجود اینکه این مفهوم بیشتر در حوزه‌های آموزش کودکان و نوجوانان مطرح بوده و همیشه در طول زمان، معلمان را منظور نظر داشته است، اما درعین‌حال پتانسیلی جدی است برای ایجاد روندهایی متفاوت، به‌طورمثال در هنر و به طور خاص در هنر اجرا و تئاتر، از سویی به سایکودراما نزدیک می‌شود و از سویی می‌تواند با شکل‌دهی نوعی تئاتر تعاملی، با بهره‌گیری از امکان مشارکت مخاطب، جریان پداگوژیک را به وجود آورد. گرچه که اینها، تنها بخشی از امکانات پداگوژی است و این نگاه، می‌تواند در اشکال بسیار نامحدودی ظاهر شود و اثرگذار باشد. در یک اجرای پداگوژیک تعاملی، مخاطب، تماشاگر صرف نیست و درست در همین نقطه، جریان اینتراکتیو، مخاطب را به تداخل جدی در جریان نمایش وارد می‌کند. پس در چنین اجرایی ما با تماشاگرگی منفعل مواجه نخواهیم بود. شکل تعامل مخاطب البته به فراخور اهداف اثر طبعاً در هر اجرا، متفاوت خواهد بود.

● **اجرای «لته‌های پشت دندان‌هایت را آزار بده»**
به کارگردانی محمد معیری و نویسندگی علی اشکان‌نژاد به‌زودی در سالن شانو روی صحنه می‌رود. محمد معیری، کارگردان این اثر، در ادامه مسیر خود این‌بار متنی را رو بویکر «پداگوژی»، اما در زمینه‌ای متفاوت و بسیار چالش‌برانگیز انتخاب کرده است. پداگوژی را اگر به معنای روش آموزش‌گری با فن و علم تعلیم تصور کنیم، کارگردان در این اثر، انگاره‌ای نوین برای آن در نظر گرفته است. او با خلق شرایطی عجیب و دشوار، سعی دارد مفاهیم عمیق فلسفی «روان‌کاوانه را با استفاده از مدیای تاتر، آن هم در فضایی به‌شدت اکزستانسیالی، به تماشاگر عرضه کند. تشکیک در گستره معنای لذت، سادومازوخیسم پنهان و آشکار، درک گسترده‌تر از مفهوم درد و نظایر اینها، در این پرفورمنس پداگوژیک، دست‌مایه‌هایی جدی‌اند. در این روند، مخاطب در نقاطی متفاوت از کار، نه‌تنها با اکنون خود، چه‌بسا با گذشته خود نیز، دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. در طول این اجرا، تماشاگر، در هر جایگاه و نسبتی با خود و محیط، به مواجهه‌های تکانگتک و شاید تجربه‌نشده‌ای با درون خود خواهد رسید. از شما دعوت می‌کنیم حتما به دیدار این اتفاق، بایاید. تک‌بازیگر این اثر خاطره حاتمی است. نکته اینکه، شما در این اجرا هرگز بی‌کار نخواهید بود! پداگوژی یا فرایند «فراگیری- آموزش»، تعبیری بسیار کهن است، از دوران باستان تا شکل‌گیری مدارس اولیه و تا عصر حاضر که معنای بسیار وسیع‌تری یافته است. همان‌طور که پیداست، پداگوژی مفهومی کلی است که می‌تواند در زمینه‌های متعدد فردی و اجتماعی، کاربردی و پیش‌برنده باشد. با وجود اینکه این مفهوم بیشتر در حوزه‌های آموزش کودکان و نوجوانان مطرح بوده و همیشه در طول زمان، معلمان را منظور نظر داشته است، اما درعین‌حال پتانسیلی جدی است برای ایجاد روندهایی متفاوت، به‌طورمثال در هنر و به طور خاص در هنر اجرا و تئاتر، از سویی به سایکودراما نزدیک می‌شود و از سویی می‌تواند با شکل‌دهی نوعی تئاتر تعاملی، با بهره‌گیری از امکان مشارکت مخاطب، جریان پداگوژیک را به وجود آورد. گرچه که اینها، تنها بخشی از امکانات پداگوژی است و این نگاه، می‌تواند در اشکال بسیار نامحدودی ظاهر شود و اثرگذار باشد. در یک اجرای پداگوژیک تعاملی، مخاطب، تماشاگر صرف نیست و درست در همین نقطه، جریان اینتراکتیو، مخاطب را به تداخل جدی در جریان نمایش وارد می‌کند. پس در چنین اجرایی ما با تماشاگرگی منفعل مواجه نخواهیم بود. شکل تعامل مخاطب البته به فراخور اهداف اثر طبعاً در هر اجرا، متفاوت خواهد بود.

● **اجرای «لته‌های پشت دندان‌هایت را آزار بده»**
به کارگردانی محمد معیری و نویسندگی علی اشکان‌نژاد به‌زودی در سالن شانو روی صحنه می‌رود. محمد معیری، کارگردان این اثر، در ادامه مسیر خود این‌بار متنی را رو بویکر «پداگوژی»، اما در زمینه‌ای متفاوت و بسیار چالش‌برانگیز انتخاب کرده است. پداگوژی را اگر به معنای روش آموزش‌گری با فن و علم تعلیم تصور کنیم، کارگردان در این اثر، انگاره‌ای نوین برای آن در نظر گرفته است. او با خلق شرایطی عجیب و دشوار، سعی دارد مفاهیم عمیق فلسفی «روان‌کاوانه را با استفاده از مدیای تاتر، آن هم در فضایی به‌شدت اکزستانسیالی، به تماشاگر عرضه کند. تشکیک در گستره معنای لذت، سادومازوخیسم پنهان و آشکار، درک گسترده‌تر از مفهوم درد و نظایر اینها، در این پرفورمنس پداگوژیک، دست‌مایه‌هایی جدی‌اند. در این روند، مخاطب در نقاطی متفاوت از کار، نه‌تنها با اکنون خود، چه‌بسا با گذشته خود نیز، دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. در طول این اجرا، تماشاگر، در هر جایگاه و نسبتی با خود و محیط، به مواجهه‌های تکانگتک و شاید تجربه‌نشده‌ای با درون خود خواهد رسید. از شما دعوت می‌کنیم حتما به دیدار این اتفاق، بایاید. تک‌بازیگر این اثر خاطره حاتمی است. نکته اینکه، شما در این اجرا هرگز بی‌کار نخواهید بود! پداگوژی یا فرایند «فراگیری- آموزش»، تعبیری بسیار کهن است، از دوران باستان تا شکل‌گیری مدارس اولیه و تا عصر حاضر که معنای بسیار وسیع‌تری یافته است. همان‌طور که پیداست، پداگوژی مفهومی کلی است که می‌تواند در زمینه‌های متعدد فردی و اجتماعی، کاربردی و پیش‌برنده باشد. با وجود اینکه این مفهوم بیشتر در حوزه‌های آموزش کودکان و نوجوانان مطرح بوده و همیشه در طول زمان، معلمان را منظور نظر داشته است، اما درعین‌حال پتانسیلی جدی است برای ایجاد روندهایی متفاوت، به‌طورمثال در هنر و به طور خاص در هنر اجرا و تئاتر، از سویی به سایکودراما نزدیک می‌شود و از سویی می‌تواند با شکل‌دهی نوعی تئاتر تعاملی، با بهره‌گیری از امکان مشارکت مخاطب، جریان پداگوژیک را به وجود آورد. گرچه که اینها، تنها بخشی از امکانات پداگوژی است و این نگاه، می‌تواند در اشکال بسیار نامحدودی ظاهر شود و اثرگذار باشد. در یک اجرای پداگوژیک تعاملی، مخاطب، تماشاگر صرف نیست و درست در همین نقطه، جریان اینتراکتیو، مخاطب را به تداخل جدی در جریان نمایش وارد می‌کند. پس در چنین اجرایی ما با تماشاگرگی منفعل مواجه نخواهیم بود. شکل تعامل مخاطب البته به فراخور اهداف اثر طبعاً در هر اجرا، متفاوت خواهد بود.

● **اجرای «لته‌های پشت دندان‌هایت را آزار بده»**
به کارگردانی محمد معیری و نویسندگی علی اشکان‌نژاد به‌زودی در سالن شانو روی صحنه می‌رود. محمد معیری، کارگردان این اثر، در ادامه مسیر خود این‌بار متنی را رو بویکر «پداگوژی»، اما در زمینه‌ای متفاوت و بسیار چالش‌برانگیز انتخاب کرده است. پداگوژی را اگر به معنای روش آموزش‌گری با فن و علم تعلیم تصور کنیم، کارگردان در این اثر، انگاره‌ای نوین برای آن در نظر گرفته است. او با خلق شرایطی عجیب و دشوار، سعی دارد مفاهیم عمیق فلسفی «روان‌کاوانه را با استفاده از مدیای تاتر، آن هم در فضایی به‌شدت اکزستانسیالی، به تماشاگر عرضه کند. تشکیک در گستره معنای لذت، سادومازوخیسم پنهان و آشکار، درک گسترده‌تر از مفهوم درد و نظایر اینها، در این پرفورمنس پداگوژیک، دست‌مایه‌هایی جدی‌اند. در این روند، مخاطب در نقاطی متفاوت از کار، نه‌تنها با اکنون خود، چه‌بسا با گذشته خود نیز، دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. در طول این اجرا، تماشاگر، در هر جایگاه و نسبتی با خود و محیط، به مواجهه‌های تکانگتک و شاید تجربه‌نشده‌ای با درون خود خواهد رسید. از شما دعوت می‌کنیم حتما به دیدار این اتفاق، بایاید. تک‌بازیگر این اثر خاطره حاتمی است. نکته اینکه، شما در این اجرا هرگز بی‌کار نخواهید بود! پداگوژی یا فرایند «فراگیری- آموزش»، تعبیری بسیار کهن است، از دوران باستان تا شکل‌گیری مدارس اولیه و تا عصر حاضر که معنای بسیار وسیع‌تری یافته است. همان‌طور که پیداست، پداگوژی مفهومی کلی است که می‌تواند در زمینه‌های متعدد فردی و اجتماعی، کاربردی و پیش‌برنده باشد. با وجود اینکه این مفهوم بیشتر در حوزه‌های آموزش کودکان و نوجوانان مطرح بوده و همیشه در طول زمان، معلمان را منظور نظر داشته است، اما درعین‌حال پتانسیلی جدی است برای ایجاد روندهایی متفاوت، به‌طورمثال در هنر و به طور خاص در هنر اجرا و تئاتر، از سویی به سایکودراما نزدیک می‌شود و از سویی می‌تواند با شکل‌دهی نوعی تئاتر تعاملی، با بهره‌گیری از امکان مشارکت مخاطب، جریان پداگوژیک را به وجود آورد. گرچه که اینها، تنها بخشی از امکانات پداگوژی است و این نگاه، می‌تواند در اشکال بسیار نامحدودی ظاهر شود و اثرگذار باشد. در یک اجرای پداگوژیک تعاملی، مخاطب، تماشاگر صرف نیست و درست در همین نقطه، جریان اینتراکتیو، مخاطب را به تداخل جدی در جریان نمایش وارد می‌کند. پس در چنین اجرایی ما با تماشاگرگی منفعل مواجه نخواهیم بود. شکل تعامل مخاطب البته به فراخور اهداف اثر طبعاً در هر اجرا، متفاوت خواهد بود.

● **اجرای «لته‌های پشت دندان‌هایت را آزار بده»**
به کارگردانی محمد معیری و نویسندگی علی اشکان‌نژاد به‌زودی در سالن شانو روی صحنه می‌رود. محمد معیری، کارگردان این اثر، در ادامه مسیر خود این‌بار متنی را رو بویکر «پداگوژی»، اما در زمینه‌ای متفاوت و بسیار چالش‌برانگیز انتخاب کرده است. پداگوژی را اگر به معنای روش آموزش‌گری با فن و علم تعلیم تصور کنیم، کارگردان در این اثر، انگاره‌ای نوین برای آن در نظر گرفته است. او با خلق شرایطی عجیب و دشوار، سعی دارد مفاهیم عمیق فلسفی «روان‌کاوانه را با استفاده از مدیای تاتر، آن هم در فضایی به‌شدت اکزستانسیالی، به تماشاگر عرضه کند. تشکیک در گستره معنای لذت، سادومازوخیسم پنهان و آشکار، درک گسترده‌تر از مفهوم درد و نظایر اینها، در این پرفورمنس پداگوژیک، دست‌مایه‌هایی جدی‌اند. در این روند، مخاطب در نقاطی متفاوت از کار، نه‌تنها با اکنون خود، چه‌بسا با گذشته خود نیز، دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. در طول این اجرا، تماشاگر، در هر جایگاه و نسبتی با خود و محیط، به مواجهه‌های تکانگتک و شاید تجربه‌نشده‌ای با درون خود خواهد رسید. از شما دعوت می‌کنیم حتما به دیدار این اتفاق، بایاید. تک‌بازیگر این اثر خاطره حاتمی است. نکته اینکه، شما در این اجرا هرگز بی‌کار نخواهید بود! پداگوژی یا فرایند «فراگیری- آموزش»، تعبیری بسیار کهن است، از دوران باستان تا شکل‌گیری مدارس اولیه و تا عصر حاضر که معنای بسیار وسیع‌تری یافته است. همان‌طور که پیداست، پداگوژی مفهومی کلی است که می‌تواند در زمینه‌های متعدد فردی و اجتماعی، کاربردی و پیش‌برنده باشد. با وجود اینکه این مفهوم بیشتر در حوزه‌های آموزش کودکان و نوجوانان مطرح بوده و همیشه در طول زمان، معلمان را منظور نظر داشته است، اما درعین‌حال پتانسیلی جدی است برای ایجاد روندهایی متفاوت، به‌طورمثال در هنر و به طور خاص در هنر اجرا و تئاتر، از سویی به سایکودراما نزدیک می‌شود و از سویی می‌تواند با شکل‌دهی نوعی تئاتر تعاملی، با بهره‌گیری از امکان مشارکت مخاطب، جریان پداگوژیک را به وجود آورد. گرچه که اینها، تنها بخشی از امکانات پداگوژی است و این نگاه، می‌تواند در اشکال بسیار نامحدودی ظاهر شود و اثرگذار باشد. در یک اجرای پداگوژیک تعاملی، مخاطب، تماشاگر صرف نیست و درست در همین نقطه، جریان اینتراکتیو، مخاطب را به تداخل جدی در جریان نمایش وارد می‌کند. پس در چنین اجرایی ما با تماشاگرگی منفعل مواجه نخواهیم بود. شکل تعامل مخاطب البته به فراخور اهداف اثر طبعاً در هر اجرا، متفاوت خواهد بود.

● **گروه هنر:** گروه هنری حرکت و فرم «آرورا» ویژه بانوان، به سرپرستی سحر کساوندی، ۲۱ دی‌ماه در فرهنگ‌سرای نیاوران روی صحنه می‌رود. هدف از اجرای نمایش «خاطرات» با حفظ سنت و فرهنگ اصیل ایرانی است. این نمایش دربرگیرنده حرکت آیینی، نمایشی، سنتی و فولکلوریک ایران‌زمین است. هنرمندان در «خاطرات» در چند اپیزود مختلف (آذربایجانی، کردی، جنوبی، ایرانی، سماع و...) به ایفای نقش می‌پردازند. اعضای گروه «آرورا» عبارتند از: سحر کساوندی (نویسنده و کارگردان)، هما پارسایی‌سرشت (بازیگر)، هنرمندان: زهرا اکبری، نیلوفر جلمبادانی، کیمیا قهاری، نغمه وزیری، الهه اکبری، باران دواچی، ثمن یوسفی، نیان طبیعی، پرنیان اکبری، سارا یزدانی‌نیا، فرناز قربانی، ندا صالح، روزین دققانی، مهسان ایمان‌وند، لعیا حشمتی، پریسا مدرس‌زاده، عطیه امینی، دینا کردستانی، سارینا اکبری، شمیم امینی، شیدا دبیر، نغمه مافی، رحیم ندافی، فاطمه قدیری‌فرد، سیده بیک‌زاده، نسیم دارابی و لباس: کیمیا قهاری و مریم دواچی. نمایش «خاطرات»، ویژه بانوان، جمعه، ۲۱ دی، ساعت ۱۵ در سالن خلیج فارس فرهنگ‌سرای نیاوران روی صحنه می‌رود. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به سایت ایران‌کسرت یا گیشه فرهنگ‌سر مراجعه کنند.

● **گروه هنر:** نمایش موزیکال «بینوایان»، به کارگردانی حسین پارسایی و رهبری بردیا کیارس، از بیستم آبان‌ماه در سالن رویال‌هال تهران روی صحنه رفت. این نمایش در مدت دو‌ماه با استقبال مخاطبان مواجه شد و با چهاربار تمدید اجرا توانست عملکرد نیکویی در کارنامه دست‌اندرکاران تولید و اجرای بینوایان برجای بگذارد. نمایش موزیکال «بینوایان» جمعه‌شب آخرین اجرای خود را روی صحنه می‌برد تا پرونده این پروژه بزرگ موزیکال در سال ۱۳۹۷ بسته شود. این نمایش با ۵۰ اجرای موفق به روزهای پایانی خود رسیده است. این در حالی است که تاکنون بیش از ۱۲۵ هزار تماشاگر روی صندلی‌های مخملین سالن رویال‌هال تهران، بازی ستارگان این نمایش را به نظاره نشسته‌اند. اجرای تئاتر مستقل بینوایان تا بیست‌ویکم دی‌ماه ادامه دارد. به‌این‌ترتیب سالن رویال‌هال تهران در شب‌های چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه این هفته مصادف با نوزدهم، بیستم و بیست‌ویکم دی، پذیرای علاقه‌مندان برای تماشای آخرین اجراهای نمایش موزیکال بینوایان است. این نمایش از ابتدای اجرا-میزبان چهره‌های بسیاری از اهالی فرهنگ و سیاست بود.

● **اجرای «لته‌های پشت دندان‌هایت را آزار بده»**
به کارگردانی محمد معیری و نویسندگی علی اشکان‌نژاد به‌زودی در سالن شانو روی صحنه می‌رود. محمد معیری، کارگردان این اثر، در ادامه مسیر خود این‌بار متنی را رو بویکر «پداگوژی»، اما در زمینه‌ای متفاوت و بسیار چالش‌برانگیز انتخاب کرده است. پداگوژی را اگر به معنای روش آموزش‌گری با فن و علم تعلیم تصور کنیم، کارگردان در این اثر، انگاره‌ای نوین برای آن در نظر گرفته است. او با خلق شرایطی عجیب و دشوار، سعی دارد مفاهیم عمیق فلسفی «روان‌کاوانه را با استفاده از مدیای تاتر، آن هم در فضایی به‌شدت اکزستانسیالی، به تماشاگر عرضه کند. تشکیک در گستره معنای لذت، سادومازوخیسم پنهان و آشکار، درک گسترده‌تر از مفهوم درد و نظایر اینها، در این پرفورمنس پداگوژیک، دست‌مایه‌هایی جدی‌اند. در این روند، مخاطب در نقاطی متفاوت از کار، نه‌تنها با اکنون خود، چه‌بسا با گذشته خود نیز، دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. در طول این اجرا، تماشاگر، در هر جایگاه و نسبتی با خود و محیط، به مواجهه‌های تکانگتک و شاید تجربه‌نشده‌ای با درون خود خواهد رسید. از شما دعوت می‌کنیم حتما به دیدار این اتفاق، بایاید. تک‌بازیگر این اثر خاطره حاتمی است. نکته اینکه، شما در این اجرا هرگز بی‌کار نخواهید بود! پداگوژی یا فرایند «فراگیری- آموزش»، تعبیری بسیار کهن است، از دوران باستان تا شکل‌گیری مدارس اولیه و تا عصر حاضر که معنای بسیار وسیع‌تری یافته است. همان‌طور که پیداست، پداگوژی مفهومی کلی است که می‌تواند در زمینه‌های متعدد فردی و اجتماعی، کاربردی و پیش‌برنده باشد. با وجود اینکه این مفهوم بیشتر در حوزه‌های آموزش کودکان و نوجوانان مطرح بوده و همیشه در طول زمان، معلمان را منظور نظر داشته است، اما درعین‌حال پتانسیلی جدی است برای ایجاد روندهایی متفاوت، به‌طورمثال در هنر و به طور خاص در هنر اجرا و تئاتر، از سویی به سایکودراما نزدیک می‌شود و از سویی می‌تواند با شکل‌دهی نوعی تئاتر تعاملی، با بهره‌گیری از امکان مشارکت مخاطب، جریان پداگوژیک را به وجود آورد. گرچه که اینها، تنها بخشی از امکانات پداگوژی است و این نگاه، می‌تواند در اشکال بسیار نامحدودی ظاهر شود و اثرگذار باشد. در یک اجرای پداگوژیک تعاملی، مخاطب، تماشاگر صرف نیست و درست در همین نقطه، جریان اینتراکتیو، مخاطب را به تداخل جدی در جریان نمایش وارد می‌کند. پس در چنین اجرایی ما با تماشاگرگی منفعل مواجه نخواهیم بود. شکل تعامل مخاطب البته به فراخور اهداف اثر طبعاً در هر اجرا، متفاوت خواهد بود.

